

گردی است رحمه الله منقول است که مولانا شمس الایه
فرموده اند که از زمان خردی تا وقت بزرگ حضرت
عزت جل جلاله مراد برده عصمت و عفت خود نگاه
داشت تا از من گناه کبیره موجود نشد و اگر ناکاه ترک
ادب از من در وجود آمدی همان ساعت مرا ادب
عینی کردندی تا غایبی که شبی را در روضه مقدسه حرم
ابو جعفر رحمه الله ایجا کرده بودم و بر عادت معموله
غاز و تر را که ایستاده بودم تا در آخر شب اول کوفتگاه در
سجده مرا خواب در بر بود و پدیدار شدم صبح و میدیدم
بود و تر را قضا کردم باید او که بدر و آزه شکر در اندام
کودکان بازی میکردند که کوزه و پیش من آمد
و گفت سس کردی چه مردی بود و خواب رفتن
و تر را قضا کردن و ایستم که ما زبان ادب الهی است
که بر من میزند و ولادت او در سنه سی و پنجم و هشتاد
بود است و وفات در صبح کبیر کادروز جمعه نهم حرم

حرم سنه شصت و نهمین و اربعین و ستصمانه و در جواری او
مولانا نادر الدین است که خلیفه او بود و علم و علو و قیام
او در آخر ذی القعدة سنه هجری و شصت و ستصمانه
بوده است رحمه الله **در تقییر** خوابه جنیدی رحمه الله
در جانب جنونی شهرت متصل بهارات شهر مرقه
منور شیخ الامام ابو فراج حدیثی امیر ابن موسی اللوی
که از جنیدی رحمه الله الحجاب است و او از نمانده و صحاح
شیخ ابی بکر بن ابی اسحاق اهل ابادیت هس ساعده
روجه و بهنوی آرمیان و زمان و صاحب ولایت
و کرامت بوده است **منقول است** که روزی بی ادبی
از خوابه رحمه الله پرسید که درین راه تو بهترین اهل
ملازمان و مریدان خویشند که با این سابق حضورتند
خویش کند است و گفت ای برادر اگر اعیان مستخبرم من
و اگر بگویند ما الله و اگر کار بر عکس شود سگ بهتر و هم
فرموده اند هر که حاجت تمام حاجت او را کفایت کند